

پیشینه فقه تربیتی در ادله فقهی قرآن و سنت

نظیفه افشار^۱ و فاطمه رضاداد^۲

چکیده

فقه تربیتی یکی از ساحت‌های مطالعات بین رشته‌ای در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی است. از نظریه‌پردازان این ساحت، در تعبیر پیشینه این امر، به منابع تفسیری فقهی و غیره اشاره کردند؛ اما منظورشان پیشینه این ساحت در نفس اقوال نویسندگان این آثار است، نه این که خود آیات و روایات را مدنظر قرار داده باشند. نگارنده در این اثر می‌کوشد تا از رهگذر تحلیل آیات و روایات اثبات کند پیشینه اصلی فقه تربیتی، در خود آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام است. از حاصل این مقاله معلوم می‌گردد، اصلی‌ترین پیشینه فقه تربیتی در خود قرآن و سنت است. به تعبیر دیگر اساساً هدف از تشریع در قرآن و سنت، هدف تربیتی است و آیات و روایات بارها علل و آثار احکام و شریعت را در تربیت انسان و طهارت جان او می‌جوید. از منظر ادله قرآنی و روایی، نکات اخلاقی- تربیتی به نوعی، پشتوانه و ضامن اجرایی آموزه‌های فقهی است، لذا تعلیم شریعت با تزکیه نفس همراه و توأمان است.

کلیدواژه‌ها: فقه تربیتی، پیشینه تاریخی، ادله فقهی، قرآن و سنت

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمیه، مشهد مقدس،

banoafshar۴۸@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی و استادیار جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمیه، مشهد مقدس، Fateme_Rezadad@miu.ac.ir



مقدمه

انسان موجودی با نیازهای متعدد است و تامین و سازماندهی نیازهای او نیاز به یک سری قوانین دارد که بتواند خود را به هدف اصلی‌اش نزدیک و در نهایت به کمال برساند. در بین قوانین دینی مورد نیاز بشر، فقه در جایگاه والایی نسبت به سایر علوم بشری قرار دارد. علم فقه با مشخص کردن قوانین الهی، کشف و تبیین آن‌ها و منظم کردن اعمال و روابط فردی و اجتماعی، مسیر سعادت بشری را هموار نموده است. یکی از مهم‌ترین راه‌های سعادت دنیوی و اخروی بشر، تنظیم اعمال فردی و اجتماعی از دیدگاه تربیتی است؛ پس می‌توان گفت که فقه تربیتی به عنوان علمی جدید در بستر تربیت‌پژوهی از جایگاه والایی در بین تمام رشته‌ها و علوم برخوردار است که آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام موید این ادعا می‌باشد. اگر چه نوشته‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد، مانند کتاب فقه تربیتی از سید نقی موسوی، اصول و مبانی نظام تربیتی اسلام از علی قائمی، تربیت اجتماعی قرآن از معصومه خاوری و... اما در این تحقیق سعی بر آن است که با رویکرد تحلیلی-توصیفی، با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و جستجو در کتب حدیثی و فقهی، به اهمیت علم تربیتی پرداخته و برخی احکام تربیتی و اخلاقی که ریشه در علم فقه دارند، تبیین و توضیح داده شود؛ چرا که پی‌بردن به این مطلب مهم که موضوع پیشینه فقه تربیتی، ریشه کهن به قدمت دین مبین اسلام دارد، کم‌تر مورد پژوهش قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق آن است که ثابت گردد که تزکیه و تربیت بشر، هدف متعالی دین اسلام است و برای این منظور با تکیه به آیات و روایات به بشر یادآور می‌شود که مسئله اخلاق و تربیت بشر مطلبی مهم است که خداوند متعال آن را بارها به بشر گوشزد کرده و سخنان معصومین علیهم‌السلام نیز مؤید آن است.

مفهوم‌شناسی

۱. تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل و دارای سه ریشه «ربا، یربو» رشد کردن و فزونی (احمدین فارس، ۱۳۸۷: ۳۶۱)، «ربی، یربی» کسی را چیزی آموختن، تربیت کردن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲/ ۶۶۰۱) و «رب، یرب» پروراندن و گرداندن چیزی تا حد تمام و کمال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰) است. نتیجه‌ای که از هر سه معنا به دست می‌آید، این است که نقطه مشترک مدنظر، رشد دادن و تربیت کردن است که می‌تواند هم جنبه جسمی داشته باشد و هم معنوی. تربیت در

اصطلاح نیز به معنای «پرورش آگاهانه و هدف‌مند ابعاد جسمی، غریزی، عقلانی، عاطفی و روحی انسان می‌باشد» (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۹).

۲. فقه

فقه در لغت به معنای «فهمیدن، چیزی را دانستن، دریافتن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/ ۱۷۱۹۲) است و در اصطلاح عبارت است از: «علم به احکام شرعیه عملیه از طریق ادله تفصیلی برای تحصیل سعادت اخروی» (محقق کرکی، ۱۴۱۱: ۶). آیت‌الله مکارم شیرازی فقه را در اصطلاح اصولیون و فقها چنین تعریف می‌کند: «فقه مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۳).

۳. فقه تربیتی

فقه تربیتی بخشی از دانش فقه است که به تعیین حکم رفتارهای مربیان و متربیان می‌پردازد و یکی از حکم‌های پنج‌گانه را برای رفتارهای آنان بیان می‌کند. فقه‌التربیه با آن که ممکن است یک عنوان جدید به شمار بیاید، ولی ریشه‌های آن در فقه سنتی و متداول موجود است؛ مثلاً مباحثی که درباره تعلیم علوم، انواع علوم و امثال این‌ها در مکاسب محرمة مطرح است، در حقیقت جزئی از فقه‌التربیه است و به همین دلیل نمی‌توان گفت فقه‌التربیه موضوع فقهی کاملاً جدیدی است، بلکه این موضوع همیشه در زندگی بشر وجود داشته و بخش‌هایی از آن در فقه مورد بحث قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۹۶: ۲/ ۱۴۵).

ضرورت تربیت از سه منظر

می‌توان از سه منظر عقلی، علمی و نقلی (قرآن و حدیث) به ضرورت تربیت پرداخت.

ضرورت تربیت از نظر عقلی

از نظر عقلی، اهمیت هر علمی بستگی به موضوع آن علم دارد. در این نوشته، صحبت از تربیت انسانی است که به‌عنوان اشرف مخلوقات معرفی شده است؛ پس به خوبی می‌توان به



اهمیت مسئله تربیت پی برد. تربیت همه جانبه انسان‌ها برای نیل به کمالات انسانی موضوع مهمی است که همه رسالت‌های آسمانی به دنبال آن بوده‌اند تا از طریق تزکیه و تعلیم انسان‌ها، آئینه تمام‌نمای اسماء و صفات الهی را به نمایش بگذارند. تربیت انسان‌ها امری ممکن و تحقق‌پذیر است؛ چرا که اگر امری غیر ممکن بود، نزول کتاب‌های آسمانی و فرستاده شدن انبیاء الهی از یک طرف و قراردادن نیروی عقل از طرف دیگر کاری لغو بیهوده بود؛ اما خداوند متعال برنامه تربیت بشر را با تدبیر حکیمانه، برنامه‌ریزی نموده و توسط انبیا و اولیای الهی به اجرا درآورده است. به گونه‌ای اصول و مبانی مستحکم و منطقی تربیتی در سیره نبوی به وضوح جلوه‌گر است که در موارد مختلفی به ظهور و بروز رسیده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵).

ضرورت تربیت از نظر علمی

از نظر علمی، با توجه به شواهد تاریخی و آنچه در زندگی روزمره شاهد آن هستیم، می‌بینیم افرادی که از تربیت بهتری برخوردار هستند، از نظر فردی و اجتماعی مفیدتر بودند و علاوه بر آن از زندگی دنیوی و اخروی بهتری برخوردار خواهند بود. تربیت یعنی جهت دادن به استعدادهایی که در نهاد هر انسان قرار داده شده که با شناسایی و شکوفایی آن‌ها توسط فرد و خانواده و جامعه می‌تواند به عالی‌ترین مراتب انسانی و علمی دست پیدا کند و توسط همین تربیت فوق‌العاده به سر منزل مقصود و هدف نهایی خود دست یابد (موسوی، ۱۳۹۵: ۱/۳۵).

ضرورت تربیت از نظر نقلی

از نظر نقلی، در قرآن کریم همه مباحث از جمله مسائل اعتقادی (توحید، نبوت و معاد)، فقه، اصول، منطق، فلسفه، تاریخ و... به چشم می‌خورد؛ اما آنچه که قابل تأمل است، این است که همه این مباحث، به دنبال هدف واحد یعنی تربیت بشر هستند. خداوند متعال طی آیاتی خود را رب یعنی (تربیت کننده) معرفی می‌کند، مانند آیه «الحمد لله رب العالمین (حمد/۱)؛ ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است». کلمه رب به معنای صاحب و مالک چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و کلمه «ربیبه» که به دختر همسر انسان گفته می‌شود، از همین جا گرفته شده؛ زیرا او هر چند از شوهر دیگر است ولی زیر نظر پدر خوانده‌اش پرورش پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، بی‌تا، ۱/۵۴). برای این منظور وسیله‌هایی همچون پیامبران و

امامان را در اختیار بشر قرار داده و این مضمون چهار بار در قرآن تکرار شده که ایشان برای تربیت بشر آمدند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه/ ۲)؛ اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند».

پیامبران عامل رویش، جهش و رستاخیز در همه سطوح و امور جامعه هستند و تزکیه و تعلیم در راس برنامه انبیاء است و در مکتب انبیا علیهم‌السلام، پرورش روحی و آموزش فکری در کنار بینش و بصیرت مطرح می‌شود و این کار تربیتی در محیط فاسد انجام‌پذیر خواهد بود (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۵/۱۰). همچنین با نگاه در کتاب‌های ارزشمندی چون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه به خوبی آشکار می‌گردد که ائمه علیهم‌السلام بزرگوار هم به دنبال تربیت بشر بودند، اما در قالب‌های متفاوت؛ گاهی روایت و حدیث و گاهی دعا. در روایت امام علی علیه‌السلام که می‌فرماید: «مَنْ الْجَمَادَاتِ وَالْحَيَوَانَاتِ... لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ او پروردگار جان‌دار و بی‌جان است... هم آفرینش از اوست و هم اداره آن، و او مربی و پرورش‌دهنده همه است»، رب‌العالمین در این‌جا اشاره دارد که رابطه خداوند با مخلوقات رابطه تنگاتنگی است به این معنا که بنا و نقاش، هنر خود را ایجاد می‌کند و می‌رود؛ ولی مربی باید هر لحظه ناظر بر امور باشد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۷/۱).

پیشینه فقه تربیتی

بنابر آن‌چه در روایات آمده، مراجعه به قرآن و برداشت احکام از آیات آن، از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نزول قرآن شروع شده و در میان صحابه و یاران امامان متعارف بوده است. در بسیاری از موارد، امامان حکم شرعی را با استناد به آیات قرآن برای مردم بیان می‌کردند. فقیهان شیعه همواره برای استخراج احکام شرعی به قرآن و روایات فقهی آن مراجعه کردند، اما پیشینه گردآوری و تالیف آثار مستقل در زمینه آیات الاحکام به قرن دوم هجری برمی‌گردد. برخی دیگر از فقها در کتب خود بحث مستقلی راجع به فقه تربیتی در نظر نگرفته‌اند و تنها در لابلای مباحث حضانة و ولایت و گاه به مناسبت احکام روزه و نماز و ... متعرض این احکام آن شده‌اند. گفته شده نخستین کتاب را در این موضوع محمد بن سائب کلبی از یاران امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام نوشته بود. در این‌باره کاشف‌الغطاء و دیگران هم نقل قول‌هایی داشتند، اما



فقه‌های معاصر به این فضا نزدیک‌تر شدند و مطالب بیشتر ارائه داده‌اند؛ چنان‌چه در آثار مرحوم خوئی مطالبی در این زمینه به چشم می‌خورد. اندیشه تولید دانش میان‌رشته‌ای به نام «فقه تربیتی» از حدود سال ۱۳۷۷ توسط استاد اعرافی طرح به مجامع علمی راه یافت. بعد از آن سلسله مباحث درس خارج ایشان تحت عنوان فقه‌التربیه آغاز و کرسی خاصی را به خود اختصاص داد. گروهی از محققین در سال ۱۳۸۳ با محور قرار دادن متن کلاس‌های فقه‌التربیه، تحقیق و پژوهش جدیدتری را در این عرصه آغاز کردند تا بتوانند این نقص را برطرف کرده و تربیت دینی را به جایگاه والای خود و در صدر گفتگوهای علمی برسانند (موسوی، ۱۳۹۵: ۲/۱).

رویکرد تربیتی سنت به شریعت

فرآیند تربیت در تمامی جوامع بشری با رویکردهای گوناگون در جریان است. یکی از آسیب‌هایی که در جوامع مختلف دیده می‌شود، به‌جا دادن به عرصه‌های وجودی بشر و بی‌توجهی به بخش‌های دیگر است. این مشکل باعث به وجود آمدن انسان‌هایی با شخصیت‌های نامتوازن است که استعدادهایش فقط در برخی جنبه‌ها رشد یافته ولی در بخش‌های اساسی از یاد رفته و دچار فلج و عقب‌ماندگی هستند. در نظام تعلیم و تربیت در جوامع مختلف به دنبال یافتن قوانینی برای رفع این مشکل هستند. اسلام در عرصه تربیت، نگاه ویژه‌ای دارد و دستورات و رهنمودهای گسترده تربیتی را ذیل روایاتی بیان داشته که شاید بتوان گفت که روح همه معارف اسلام بر محور تربیت انسان کامل است (اخلاقی، ۱۳۸۸).

تربیت در آیینه سنت صحیح نبوی

مطالعه سنت نبوی و احادیث پیامبر ﷺ و توجه به آن از نظر سند و متن، در رشد و نمو جسمی، روحی و در پرورش همه جانبه انسان اهمیت قابل توجهی دارد، تا آن‌جا که بر مبنای تحقیقات و بررسی‌های انجام شده در سیره و سنت پیامبر ﷺ، جسم، روح، ذهن و فکر انسان مسلمان متناسب با جو و فضای اسلامی پرورش یافته و شخصیت او در راستای ربانی شدن شکل گرفته و در تمام مراحل زندگی و مسئولیت‌های اجتماعی آماده پذیرش تربیت و شایسته تبعیت بدون چون و چرا از طرق سلوک و سیرت رسول گرامی ﷺ می‌گردد. هر چند ناگفته نماند که مقصود از توجه نمودن به سنت نبوی و بررسی احادیث و سیره رسول ﷺ به این معنا نیست که سنت بر قرآن مقدم شمرده شود، بلکه آن‌چه که به حقیقت مورد تأکید و اعتقاد همگان

می‌باشد، این است که قرآن به‌عنوان اولین مصدر تشریع و کتاب زندگی است و هیچ فردی از افراد مسلمان در آن شک و تردیدی ندارد؛ پس از قرآن، سنت نبوی به‌عنوان شارح آیات قرآن قرار دارد که مستقیماً امور عام را خاص، مطلق را مقید، مجمل را مبیین و معنا و مفهوم آن را تشریح و تبیین می‌کند و اهدافش را روشن و مقاصدش را تطبیق عملی و محقق می‌گرداند. اما آن‌چه حائز اهمیت است، این است که در مدرسه سنت و سیره نبوی، برنامه کامل تربیتی یافت می‌شود که از هدایت و رهنمودها و توجیهات پاک و ربانی پیامبر ﷺ نشأت گرفته، که با وجود چنین برنامه غنی از جانب پیامبر به‌عنوان اسوه مطلق، دیگر نیازی به وارد کردن نظریات تربیتی از افراد غیر مسلمان نیست، چرا که ایشان اسوه حسنه (احزاب / ۲۱) هستند. پیامبری که هیچ‌گاه از روی هوا و هوس چیزی نمی‌گوید (نجم / ۳)، پس بر انسان مسلمان امری واجب و ضروری است که در رابطه با تربیت و اهداف کوتاه مدت و دراز مدت، حدیث و سنت نبوی به‌عنوان اساس کار، جزء منابع اولیه او مدّ نظر قرار گیرد و در حین تتبع و بررسی مسائل تربیتی، هرگز آراء و افکار دیگران، بر احادیث و سنت نبوی سبقت نجسته و ترجیح داده نشود؛ بلکه بر عکس، آموزه‌های سنت نبوی بر هر چیز دیگری غیر از قرآن ترجیح داده شود. آن‌چه مسلم است، بنا بر مبانی مذهب شیعه، تکالیف و تشریعات الهی مبتنی بر مصالح و مفاسدی است که خدای سبحان به مقتضای حکمت برای بندگانش منظور کرده و دستیابی بدان مصالح و دوری از مفاسد جز با انجام واجبات و یا ترک محرمات ممکن نیست (علیدوست، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۴). اگر چه بسیاری از این مصالح و مفاسد به لحاظ محدود بودن دایره عقل و خرد آدمی برای ما روشن نیست، اما در قرآن کریم و به دنبال آن به تفصیل در روایات معصومین ﷺ به پاره‌ای از حکمت‌ها و علت‌های نهان احکام الهی اشاره شده است. از جمله علت‌هایی که می‌توان برای برخی از مصالح در نظر گرفت، عوامل تربیتی است که در برخی از تکالیف و تشریعات الهی وجود دارد. در ادامه به جنبه‌های تربیتی بعضی از روایات اشاره می‌گردد:

۱. ابعاد تربیتی زکات

احادیث مرتبط با فلسفه زکات، بر محورهای کلیدی تأمین معیشت فقرا، تحصین و حفظ اموال اغنیاء و ایجاد پیوند اجتماعی و تعاون تأکید دارند. این منابع اشاره می‌کنند که زکات به‌عنوان یک فریضه الهی، برای قوت‌رسانی به نیازمندان و ایجاد زمینه‌ای برای استغناء آنان وضع شده است. از سوی دیگر، ادای این حق مالی، سبب حفظ و رشد اموال پرداخت‌کنندگان و همچنین آزمایشی برای ایشان محسوب می‌شود. در این نگاه، زکات تنها یک کمک مالی نیست، بلکه وسیله‌ای برای ادای شکر نعمت، ایجاد رحمت و هم‌دلی در جامعه و تقویت



افراد در مسائل دینی معرفی شده است؛ به عنوان مثال، امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ؛ اموال خود را به وسیله زکات حفظ کنید» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۹۴)؛ همین مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۶۱ و...). امام رضا علیه السلام در توضیح مسئله زکات، پرداخت زکات را هم برای غنی و هم برای فقیر منفعت‌بخش شمرده و چنین می‌فرماید: «أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوَى...؛ زکات قوت و روزی فقراست و اموال اغنیا را نگهداری می‌کند از آن جهت که خداوند اغنیا و افراد سالم را مکلف کرده تا به افراد زمین گیر و استاده کمک کنند و به امور آن‌ها قیام کنند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/ ۸).

قرآن کریم نیز می‌فرماید: «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره/ ۱۵۵)؛ و همانا شما را با چیزی از اموال و جان‌هایتان و ثمرات باغ‌های شما امتحان می‌کنیم». منظور از آزمایش اموال، عمل کردن به حکم فقهی زکات است و مراد از نفس اشاره به این است که نفس‌هایتان را به این وسیله تمرین دهید تا از خود گذشت کنید و در راه خدا و برای کمک به دیگران ایثار و صبر بر گذشت از مال و جان را فرا بگیرید و امید داشته باشید که اگر مهربانی و عطوفت به ضعفاء را ادامه دهید، خداوند به شما برکت در جان و مال‌تان خواهد داد. از طرفی، زکات پند و موعظه‌ای است برای اغنیاء؛ چرا که امکان دارد روزی آن‌ها نیز به فقر در دنیا و نیاز در آخرت مبتلا شوند، پس آن‌چه مایه‌هایی از فقر دنیا و آخرت است زکات می‌باشد. پرداختن زکات انسان‌ها را به انجام شکر از خداوند وادار می‌کند، چرا که تمکنی که دارا هستند، سزاوار شکر از حق است. حضرت زهرا علیها السلام درباره زکات می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةُ لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ؛ زکات باعث تزکیه نفس و زیادت‌ی روزی ابدان است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹/ ۲۲۳)؛ از آن جایی که قرآن کریم در بیشتر آیات، پس از یاد نماز سریعاً به سفارش و اقامه زکات پرداختند، ایشان نیز در خطبه خودشان بعد از بیان حکمت نماز به بیان حکمت زکات پرداختند تا اهمیت فوق‌العاده آن را برسانند. منظور ایشان از زکات، پرداختن هر نوع انفاقی در راه رضای خدا می‌باشد، چه واجب باشد چه مستحب.

بر اساس آیات و روایات ذکر شده، اجرای دقیق این فریضه می‌تواند به برطرف شدن فقر و نیاز در جامعه بینجامد، همچنین پرداخت زکات، اغنیاء را نسبت به وضعیت فقرا آگاه کرده و آنان را به شکرگزاری و دوری از غرور دعوت می‌کند. بر اساس آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/ ۷)؛ اگر سپاس‌گزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم» این شکرگذاری

خود سبب افزایش روزی می‌گردد. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که زکات دارای ابعاد فردی، اجتماعی و اخلاقی گسترده‌ای فراتر از یک تکلیف مالی ساده است.

۲. ابعاد تربیتی نماز

نماز از فروع دین بوده و روایات فراوانی در مورد نماز وجود دارد. قرآن نیز نماز را علت بازدارندگی از فحشاء و منکر شمرده است (عنکبوت/ ۴۵). پیامبر ﷺ در رابطه با نماز می‌فرماید: «قُمْ فَصَلِّ فَإِنَّ فِي الصَّلَاةِ شِفَاءً؛ برخیز و نماز به جا آور! پس همانا در نماز شفا است» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۹۷). فضل بن شاذان از امام رضا ﷺ درباره علت وجوب نماز سوال کردند. امام رضا ﷺ در جواب ایشان فرمودند: «فِي الصَّلَاةِ الْإِقْرَارُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَهُوَ صَلَاحُ عَامٍ؛ در نماز اقرار بر ربوبیت پروردگار است و صلاح عامی در آن نهفته است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۰۳/۲). امام علی ﷺ فرمودند: «وَ شَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْحَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجْلِ، فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؛ پیامبر خدا ﷺ نماز را به چشمه آب گرم که بر در خانه شخص باشد و روزی پنج نوبت خود را در آن شست و شو دهد، تشبیه کرد و فرمودند: آیا با چنین شست‌وشوها چیزی از آلودگی بر بدن باقی می‌ماند؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹).

پرسش از حکمت وجوب نماز، پرسشی است که به اسرار و معانی عمیق این فریضه اشاره دارد. بر اساس روایات، نماز تنها یک عمل ظاهری نیست، بلکه آینه‌ای از ارتباط بنده با پروردگار است. در این عبادت، مؤمن با اعلام بندگی، توحید و عظمت الهی را اقرار می‌کند و با راز و نیاز، خود را از هرگونه شرک مبرا می‌سازد. همچنین، نماز تمرینی برای خضوع، یادآوری دائم پروردگار و زدودن غفلت از دل است. هر رکن نماز، از تکبیر تا سجود، حاوی معنای خاصی است که بر پذیرش فرمان الهی و اظهار عجز در پیشگاه او دلالت دارد.

مفاهیم برجسته در این احادیث را می‌توان اقرار به توحید و بندگی خضوع و یادآوری خدا و معناداری اجزای نماز دانست. نماز، ستونی است که مؤمن را در مسیر اخلاص و پرهیز از گناه نگاه می‌دارد و روح طاعت و عبودیت را در او زنده می‌کند. خداوند تبارک و تعالی اراده کرد دین و آیین حضرت محمد ﷺ فراموش نشود و بدین جهت بر امتش نماز را فرض و واجب قرار داد که هر روزه مردم پنج بار با صدای بلند نام پیامبر ﷺ را برده و با انجام افعال نماز خدا را عبادت کرده و او را یاد می‌نمایند و بدین ترتیب از آن حضرت غافل نشده و فراموشش نمی‌کنند و در نتیجه ذکرش مندرس و کهنه نمی‌گردد.



از جمله نکات تربیتی نماز، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سر به سجده نهادن برای پنج بار در شبانه روز و اظهار عجز و ناتوانی کردن و از مشیت او خوف‌ناک بودن، به انسان می‌آموزد تا اخلاق نیکوی تواضع و فروتنی در مقابل حق تعالی را بیاموزند و با احساس نیاز به درگاه خداوند، بدانند که خدا او را می‌بیند و سخنانش را می‌شنود.

۲. با مراجعه نمودن شبانه‌روز به خالق هستی برای او تداعی می‌شود که هستی مدبر و صاحب دارد که همیشه حضور دارد و هرگز نباید از او غافل گردد و بلکه همیشه باید بر او توکل کند. با ادای نماز، انسان به صورت عملی و زبانی این حقایق را مرور می‌کند و خود را در محضر مالک الملک می‌بیند. این عمل روح توحید و بندگی را در جان زنده نگه می‌دارد.

۳. یاد پروردگار انسان را از انجام معاصی دور می‌سازد و باعث می‌شود که فساد نکند؛ همان‌طور که در روایات فوق به آن‌ها اشاره شد.

۳. ابعاد تربیتی روزه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی فرمود: «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ يَدْعُ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ مِنْ أَجَلِي؛ هر عملی از بنی آدم برای اوست مگر روزه. پس آن برای من است غذای روزه‌دار را من کفایت می‌کنم و نوشیدنی او در نزد من است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۲/۲۳۳). بر اساس آموزه‌های وحیانی اسلام، هر تکلیفی از تکالیف شرعی دارای فلسفه و اهدافی است که دانستن آن‌ها می‌تواند انگیزه عمل را در مکلفان تقویت کند. به‌عنوان مثال، کتاب علل الشرایع شیخ صدوق از همین جنس است، یعنی به فلسفه و اهداف بعضی از احکام می‌پردازد. در ادامه به بیان بعضی از حکمت‌های روزه پرداخته می‌شود:

الف. روزه و صبر

روزه تمرینی برای صبر است. انسان با نخوردن و نیاشامیدن پی خواهد برد که وی به قدری توانمند است که حتی قادر است با ضروریات زندگی تا حدی مقابله کند و تسلیم شهوات نفسانی نگردد، بلکه باعث پاکی قلب و طهارت اعضا شود؛ به همین ترتیب صفات حسنه خشوع، خضوع، شکرگذاری و احسان به نیازمندان در وجود آدمی متجلی می‌گردد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الصَّوْمُ نِصْفُ الصَّبْرِ؛ روزه، نیمی از صبر است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵:

۱/ ۱۱۵). این احادیث اشاره دارد که روزه تجلی گاه صبر است و گاه به عنوان نصف الصبر یاد شده است. این ارتباط چنان قوی است که ثواب صبر و روزه وسیع و گسترده توصیف شده. خداوند متعال ثواب صبر صوم را خودشان بر عهده گرفتند و فرمودند که پاداش چنین صبری را خودم می‌دهم.

ب. روزه، آزمون اخلاص

روزه فواید و آثار دیگری نیز دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، شناسایی مخلصان است؛ زیرا روزه به معنای خودداری نفس از نوشیدن و خوردن و دیگر لذت‌های نفسانی و همچنین محرمات، برای بسیاری از مردم که نمی‌توانند دل از لذت‌های دنیوی و مادی بشویند، بسیار دشوار است و تنها اهل خشوع و خضوع هستند که به حکم الهی از اموری حتی مباح چون خوردن و نوشیدن و مباشرت با همسر دست برمی‌دارند. از این رو می‌توان گفت که روزه یکی از مهم‌ترین آزمون‌های الهی است که از طریق آن می‌توان اهل اخلاص را از غیر آن باز شناخت. امام علی (ع) درباره این کارکرد روزه می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ ... وَ الصَّيَّامَ ابْتِلَاءً لِلْأَخْلَاصِ الْخُلُقِ؛ خداوند روزه را واجب کرد تا به وسیله آن اخلاص خلق را بیازماید» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲). حضرت فاطمه (ع) نیز درباره نقش روزه در اخلاص می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَّامَ تَثْبِيتًا لِلْإِخْلَاصِ؛ خداوند روزه را به خاطر تثبیت اخلاص واجب فرموده است» (ابن طیفور، بی‌تا: ۲۸)

ج. روزه و همدردی با دیگران

از دیگر کارکردهای روزه می‌توان به عنصر همدردی در آن اشاره کرد؛ زیرا روزه‌دار با روزه‌داری خود شرایط سخت دیگران را درک می‌کند و به سبب تحمل رنجی که در مدت روزه‌داری می‌برد، رنج فقیران را با تمام پوست و گوشت خود احساس می‌کند. ایجاد شرایط مشابه و همانندسازی فضای زندگی با زندگی فقیران، در مهم‌ترین بُعد، یعنی فقدان خوردنی و نوشیدنی و لذت‌های دیگر، موجب می‌شود تا احساس همدردی ایجاد شده و زمینه برای احسان و انفاق مالی فراهم آید. پس غیر از حکمت‌های بیان شده، می‌توان به این حکمت نیز اشاره کرد که امام صادق (ع) درباره وجوب روزه بیان کرده است. ایشان می‌فرماید: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّيَّامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ؛ خداوند روزه را واجب کرده تا بدین وسیله



دارا و ندار و غنی و فقیر مساوی گردند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۷۳). امام رضا علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُوا بِالصَّوْمِ لِكَيْ يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ؛ مردم به انجام روزه امر شده‌اند تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را بیابند» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴/۱۶۹)؛ بنابراین روزه تنها یک بعد فردی نیست، بلکه بعد اجتماعی عمیقی دارد که هدف آن تقویت پیوندهای انسانی و مسئولیت‌پذیری در قبال یکدیگر است.

د. روزه، زکات بدن

از دیگر حکمت‌هایی که در روایات برای روزه بیان شده، زکات بدن است. به این معنا که برای هر چیزی زکاتی است؛ یعنی همان‌طوری که برای مال زکاتی است و برای دانش زکاتی مانند انتشار و تعلیم آن، برای بدن نیز زکاتی است که با پرداخت آن زمینه رشد و بهبودی و نمو مناسب بدن فراهم می‌آید و همان‌طور که زکات در مال سبب پاکی و رشد آن می‌شود، روزه نیز نقش پاک‌کنندگی و رشد دهنده برای جسم انسان دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصَّيَّامُ؛ برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۲۶۹). ایشان همچنین می‌فرماید: «صُومُوا تَصِحُّوا؛ روزه بگیرید تا تندرست بمانید» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۳۴۲). محورهای اصلی این احادیث را می‌توان در سه مفهوم کلیدی خلاصه کرد:

۱. تشبیه روزه به زکات و نقش تطهیری آن برای جسم؛
۲. تاثیر روزه بر دور کردن شیطان؛
۳. قرار گرفتن روزه در کنار دیگر فضایل اخلاقی و عبادی مانند جهاد و صدقه.

۴. ابعاد تربیتی وضو

وضو یکی از ارکان مهم در اسلام است و هم جنبه معنوی و هم جنبه بهداشتی دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطَّهُّورُ؛ وضو کلید نماز است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۳/۹۳)؛ نماز که خود از جایگاه والایی در دین بهره‌مند است، برای ورود به نماز، باید با کلید وضو وارد شد.

وضو فواید بهداشتی و پزشکی نیز دارد که مواردی از آن عبارتند از:

۱. شستشوی پوست: شستن صورت و دست‌ها چندین بار در روز باعث پاک‌سازی پوست از آلودگی‌ها و میکروب‌ها می‌شود.
۲. پیشگیری از عفونت: شستن بینی (استنشاق) و دهان (مضمضه) می‌تواند از ورود میکروب‌ها به بدن جلوگیری کند و سلامت دهان و بینی را تضمین کند.
۳. تسکین اعصاب: تماس آب با اعضای وضو (به ویژه سر و پاها) می‌تواند باعث آرامش سیستم عصبی شود.
۴. آثار روحی و روانی: وضو باعث پاک‌سازی روح و آماده شدن ذهن برای ارتباط با خداوند می‌شود و نوعی تجدید قوا محسوب می‌شود.

نکات تربیتی وضو

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّمَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَ مَنْ يَعْصِيهِ؛ وضو حدی است از حدود خدا و حکمی از احکام الهی تا به وسیله آن خدای تعالی مطیع و عاصی را بشناسد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۷۰). نکات تربیتی در این حدیث که نهفته است عبارتند از:

۱. انسان مطیع خداوند متعال، هرگز از حدود تعارض نمی‌کند و آن‌چه را خدا به آن دستور داده که باید برای انجام واجبات پاک و طاهر باشد را گردن می‌نهد.
۲. مسئله اسراف نکردن مطلب دیگری است که می‌توان از این حدیث به دست آورد و تاکید بر این که باید در وضو گرفتن از آب به نحو صحیح استفاده کرد، چرا که مصرف بی رویه آب، نوعی اسراف و گناه است و سر باز زدن از این امر نوعی عصیان است.

۵. ابعاد تربیتی نگاه

امام هشتم علیه السلام در جواب محمد بن سنان فرمود: «نگاه کردن به موی زنان شوهردار و غیر آن‌ها حرام است چون باعث تحریک (شهوت) مردان و کشیده شدن به فساد و وارد شدن به چیزی می‌شود که برای او حلال و زیبا نیست و همین طور نگاه کردن به چیزهایی که مانند مو می‌باشد حرام است» (محمدی ری شهری،



بی‌تا: (۵۶۱). این روایت تصریح می‌کند که نگاه کردن به نامحرم عامل تحریک شهوت و کشیده شدن به فساد و تباهی می‌شود.

نکات تربیتی نگاه

نگاه‌های حرام و چشم‌چرانی علاوه بر پیامدهای روحی و روانی، زیان‌ها و اثرات سوء خانوادگی و اجتماعی نیز دارد که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. بدنامی طرفین؛ چه بسیاری دوستی‌ها و ارتباط‌های نامشروع که از نگاه آغاز شده؛ ولی نگاه‌های هوس‌آلود و تداوم آن و تسلط طبیعی شهوت آن را به ناکجا آباد کشانیده، سبب بدبختی و بدنامی طرفین گردیده و حتی افشا شدن برخی از این روابط بعد از ازدواج، کانون گرم خانوادگی را متلاشی نموده، سبب بروز مشکلات خانوادگی و اجتماعی شده است.

۲. در جوامعی که نگاه به نامحرم رایج شده، به دنبال آن جلوه‌گری‌ها و فرهنگ برهنگی و بدحجابی حاکم شده، و در پی آن زن و مرد به هر سوی و هر کس که بخواهند نگاه می‌کنند، این جاست که همواره در زندگی حالت مقایسه به وجود می‌آید؛ مقایسه میان آن‌چه دارند و آن‌چه ندارند و این مقایسه‌ها هوس را دامن می‌زند و خانواده را در معرض نابودی قرار می‌دهد.

۳. نگرانی دائمی جوانانی که از طریق نگاه‌های هوس‌آلود، به هم رسیده و ازدواج و پیوند زندگی‌شان بر اساس این بنیان سست بنا شده است؛ همیشه طرفین، خصوصاً زنان این نگرانی را دارند که نکنند همسرش دوباره صید نگاه دیگری شود و زندگی او از هم بپاشد، و همین نگرانی همیشگی در عدم آرامش روحی و روانی او کافی است که زندگی او را به تلخ‌کامی بکشاند.

۴. از هم پاشیدگی خانواده نکته بسیار مهم دیگر است که به دنبال افزایش بی‌اعتمادی‌ها و جدال‌هایی که خواسته و ناخواسته بین زوجین اتفاق می‌افتد، ثمره دیگری از تیر زهرآگین نگاه به نامحرم است.

۶. ابعاد تربیتی حج

مناسک حج هر کدام نقش مؤثری در سازندگی حاجیان دارد. فردی که با توجه و خلوص به آن اعمال بپردازد، بدون شک یک دوره سیر و سلوک الی الله را پشت سر گذاشته و از هر

چه ناخالصی و تیرگی که در درونش هست رهایی می‌یابد. از این رو از امام علی علیه السلام روایت شده است که هر کس حج بگذارد، از همه گناهان پاک می‌شود، مثل روزی که از مادر متولد شده و هیچ آلودگی و خلاقی را مرتکب نشده است: «مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا مُبْرَأً مِنَ الْكَبِيرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ هر کس این خانه را به عنوان حج یا عمره، در حالی که از تکبر پاک باشد، زیارت کند، از گناهانش پاک می‌شود، مانند روزی که از مادرش زاده شده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۲۵۲)؛ البته این بدان معنا نیست که تأثیر حج بر روی همه یکسان است، بلکه در مورد افراد مختلف فرق می‌کند، چنانچه امام صادق امام سجاد علیه السلام حاجیان را به سه دسته تقسیم می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۸). در حقیقت حج، پایگاه و آموزشگاه انسان‌سازی است. محل تربیت انسان‌های متقی است، امان انسان‌هایی است که با ریاضت‌های غلط و در گوشه‌های عزلت تعلیم یافته باشند؛ بلکه در میان اجتماع و در انبوه انسان‌ها این دوره آغاز و به پایان می‌رسد تا پس از خاتمه درس‌ها، دوباره به میان مردم برگردند و هر کدام چون چراغی، تاریکی‌ها را روشنایی بخشند و الگو و سرمشقی برای دیگران باشند. آثار تربیتی حج را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

۱. آثار تربیتی حج از حیث ارتباط با خدا

- الف. با گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»، انسان تمام صداهای پوچ دنیا را خاموش و تنها صدای خداوند را در وجودش طنین‌انداز می‌کند تا اوج اطاعت و تسلیم را تجربه کند
- ب. لباس احرام و شکستن غرور: پوشیدن دو تکه لباس ساده، نماد کنار گذاشتن تمام علائم غرور و خودبینی است تا انسان با قلبی فروتن و سر تسلیم، در محضر خداوند حاضر شود.
- ج. عرفات و تمرین حضور: ایستادن در دشت عرفات، تمرینی برای حضور دائمی در محضر خداست؛ جایی که انسان خود را فراموش کرده و تنها به یاد خدا می‌افتد.
- د. مشعر و یادآوری قیامت: شب‌ماندن در مشعر الحرام، صحنه‌ای کوچک از قیامت را تداعی می‌کند تا انسان با حساب‌رسیدن خداوند آشنا شده و همیشه احساس مسئولیت کند.
- ه. میهمانی در خانه خدا: حج فرصتی طلایی برای نزدیک شدن به آتش‌گاه قدس است تا با دعا و استغفار، زنگار گناهان را از دل شسته و محبت خدا را جایگزین کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).



۲. آثار تربیتی حج از حیث ارتباط با خود

الف. پرورش نیروی فکری: حج یک سفر سیاحتی نیست، بلکه یک دانشگاه الهی است. در دشت عرفات، انسان از محدودیت‌های مکانی و زمانی رها می‌شود تا با تفکر در آفرینش، نیروی فکری خود را شکوفا سازد. این سفر به حاجی می‌آموزد که با چشم دل ببیند و با عقل برهان، حقیقت هستی را درک کند، نه این که فقط ظواهر را تماشا کند.

ب. خودشناسی: لباس احرام، لباس فقر و نیاز است. وقتی انسان در میان صدها هزار نفر، خود را با دو تکه پارچه می‌پوشاند، تمام نقاب‌های اجتماعی و ثروتمند یا فقیر بودن را کنار می‌زند. در این لحظه است که انسان خود واقعی‌اش را می‌بیند؛ یک بنده ضعیف و نیازمند در برابر خدایی بی‌نیاز. حج بزرگترین آینه برای خودشناسی است.

ج. در مورد خودسازی و حقیقت‌جویی: حج تمرینی برای پیراستن روح از زنگار گناه است. با هر قدم در مسافرخانه کعبه و با هر سنگ‌ریزه که به شیطان می‌زند، انسان در حال ساختن دوباره خویشتن است. هدف نهایی، رسیدن به «حقیقت» است؛ حقیقتی که در آن جز خدا چیزی باقی نماند و انسان به مقام قرب الهی نائل آید.

د. در مورد قطع از تعلقات دنیوی: ترک خانه، ثروت و آشنایان در سفر حج، پیامی روشن دارد. دنیا جای ماندن نیست، جای گذر است. حج به ما می‌آموزد که دل را از قفل وابستگی‌های مادی رها کنیم تا پرواز کنیم. وقتی انسان از تعلقات دنیوی ببرد، آزاد می‌شود تا فقط بنده خدا باشد و نه اسیر هوا و هوس» (جواد آملی، ۱۳۹۵).

۳. آثار تربیتی حج از حیث ارتباط با دیگران

الف. مساوات و وحدت: لباس یکسان و اجتماع در یک مکان، مرزهای نژادی و طبقاتی را از بین می‌برد.

ب. خوش‌خلقی و حفظ زبان: با استناد به آیه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره/۱۹۷)؛ در حج، آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست»، بحث لزوم پرهیز از جدل و سخنان زشت و حفظ آبروی دیگران را مطرح می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۱۱۶).

۴. آثار تربیتی حج از حیث ارتباط با جهان هستی

الف. هماهنگی با نظام هستی: با طواف، خود را در نظم و گردش کائنات قرار می‌دهد و یاد می‌گیرد که جزئی از یک کل بزرگ است.

ب. بازگشت به ریشه: سفر به مبدأ خلقت است تا انسان ریشه اصلی خود را در جهان هستی باز یابد.

ج. یادآوری قیامت: صحنه‌ای از محشر جهانی است که نگاه انسان را به جهان هستی از مادی‌گرایی به معنویت تغییر می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

رویکرد فقهی سنت به اخلاق و تربیت

اخلاق و فضایل اخلاقی جایگاه بسیار والایی در بین آموزه‌های دین اسلام دارند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ هدف از بعثت خود را به کمال رساندن مکارم اخلاقی دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳/۶۹) و در قرآن کریم، ایشان به دلیل داشتن اخلاق کریمانه ستایش شده‌اند (آل عمران / ۱۵۹). سفارشات که در آیات و روایات به داشتن اخلاق مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام مشاهده می‌شود، برتری این علم در حوزه علوم اسلامی را به وضوح نشان می‌دهد، چرا که بنیاد اخلاق باید بر پایه‌ای بنا شود که در نهایت هم بتواند برای اخلاق ضمانت اجرایی تعریف کند و هم تمامی عرصه‌های اخلاقی را پوشش دهد. در ساختار جامعه مدنی، بسیاری از امور باید فراهم آید که در رأس همه آن‌ها تهذیب روح است. روح مهذب و نفس مزکی آن قدرت را دارد که کمبودها را ترمیم کند. اگر روح تهذیب نشود، نه تنها انسان از امکانات، بهره خوب نمی‌برد، بلکه ممکن است امکانات بیشتر نتیجه سوء بیشتری را به دنبال داشته باشد. انسان مهذب جهان را پاکیزه نگه می‌دارد و انسان آلوده، جهان را آلوده می‌کند. استنباط و تجربه اهل سیر و سلوک بر این است که قبل از فراگیری هر علمی باید به علم اخلاق پرداخت. جناب احمد بن محمد بن مسکویه رازی، که از علمای بنام شیعه به شمار می‌رود، معاصر مرحوم ابن‌سینا است. داستانی در برخورد وی با ابوعلی نقل می‌شود که نشانه اهتمامی است که جناب ابن مسکویه به مسئله اخلاق دارد. در بخشی از مقدمات کتاب‌های ابن مسکویه آمده که روزی شاگردان ابن مسکویه در کنار او نشسته بودند، در همان حال، ابن سینا وارد شد و گردویی در دست داشت. او به ابن مسکویه گفت که سطح این گردو را مشخص کن و مساحت یک دانه جو را نیز مشخص کن و بگو که مساحت این دانه گردو با چند جبهه جو برابر است. فوراً مسکویه کتاب اخلاق را به ابوعلی سینا داد و گفت: تو نخست، اخلاقت را با این کتاب، اصلاح کن تا ما



مساحت آن گردو را مشخص کنیم! (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴۵). این مسئله نشان می‌دهد که نیاز انسان به اصلاح اخلاق و تهذیب روح، بیش از نیازمندی وی به دانستن مساحت گردو و مساحت جبه جو است؛ یعنی در برابر قوت تو در «ریاضی»، ما در «ریاضت»، قوی هستیم و اگر تو در ریاضیات، مسائلی را طرح می‌کنی، ما در ریاضت‌ها مباحثی را ارائه می‌دهیم. قرآن کریم که جوامع بشری را به اقتدای به رسول اکرم ﷺ دعوت می‌کند، پیامبرش را به عنوان «أَنْتَكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» می‌ستاید (قلم: ۴) و انسان‌ها را دستور می‌دهد به ایشان اقتدا کنند: «أَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب: ۲۱)؛ یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است». آن چه که مسلم است، این است که داشتن اخلاق نیکو در قرآن کریم تأکید شده و از آن جایی که یکی دیگر از منابع دینی که می‌توان در بدست آوردن اخلاق حسنه از آن‌ها مدد گرفت، روایات ائمه معصومین ﷺ می‌باشد. در ادامه به بیان چند مورد از روایات در مقوله اخلاق پرداخته می‌شود:

۱. منع از کسالت و تنبلی

تنبلی یک ردیلت اخلاقی است که هر انسانی به بدی این کار آگاه است. روایات فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد که تنبلی را به شدت نهی می‌کند. امام باقر ﷺ می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ؛ از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو کلید هر بدی می‌باشند و کسی که تنبل باشد حقی را نگذارد و کسی که بی‌حوصله باشد بر حق شکیبایی نرزد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۹۶). در روایت دیگر امام صادق ﷺ می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ از تنبلی و کسالت بپرهیز، زیرا این دو، تو را از بهره‌ات در دنیا و آخرت محروم می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۸۵). امام علی ﷺ سستی و تنبلی را علت محرومیت دانسته و می‌فرماید: «مِنْ سَبَبِ الْجِرْمَانِ التَّوَانِي؛ یکی از عوامل محرومیت، سستی (در کار) است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۰). تنبلی به قدری منفور است که امام سجاد ﷺ از این مسئله به خدا پناه برده و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ؛ بار خدایا، من از غم و اندوه و ناتوانی و تنبلی به تو پناه می‌برم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/ ۳۳۵).

نکات اخلاقی و تربیتی روایات

از جمله هشدارهایی که در فرهنگ دینی بسیار به چشم می‌خورد و مسلمانان را نسبت به آن بیدار باش داده‌اند، موضوع تنبلی، تن‌پروری، بی‌حوصلگی و کوتاهی در کار است. واژه‌هایی

مانند «کسل»، «ضجر» و «توانی» یعنی تنبلی و بی حوصلگی و سستی دربردارنده این صفت ناپسند و مورد نکوهش می‌باشند. لغت‌شناسان در کالبدشکافی این واژگان گفته‌اند: «الْكَسَلُ، التَّثَاقُلُ عَمَّا لَا يَنْبَغِي التَّثَاقُلُ عَنْهُ وَلِإِجْلِ ذَلِكَ صَارَ مَذْمُومًا؛ تنبلی یعنی کوتاهی و سستی ورزیدن و زیر بار نرفتن چیزی که شایسته است انجام گیرد و به همین جهت این خصلت از صفت‌های مذموم و مورد نکوهش بشمار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۱).

در حدیث اول، امام باقر علیه السلام با تعبیر «إِيَّاكَ» هشدار داده‌اند و پیامدهای منفی تنبلی و بی‌حوصلگی را این‌گونه برشمرده‌اند:

۱. اگر کسی گرفتار این صفت منفی و خصلت مذموم تنبلی شد، برای ورود به کارهای بد، مانعی در جلو راه نخواهد دید. انسان تنبل و تن‌پرور برای اداره زندگی دست به هر کار زشت و پلشت خواهد زد، به تعبیر امام علیه السلام این صفت، صفت منفی کلیدی است؛ یعنی کلید بسیاری از زشتی‌ها و بدی‌ها است و به وسیله آن درِ شرور و زشتی‌ها به روی انسان گشوده خواهد شد.

۲. انسان تنبل هرگز نمی‌تواند از حق دفاع کند و همواره ذلیل و محکوم و زیر دست خواهد بود. زیرا حق گرفتنی است، برای احقاق حق باید تلاش و کوشش کرد، انسان بی‌تحرك و بی‌نشاط، نه از حق خودش می‌تواند دفاع کند و نه از حق اجتماعی پاسداری نماید.

۳. کسی که در زندگی بی‌حوصله و سست اراده باشد، پایداری و شکیبایی را از دست می‌دهد و در نتیجه در مسیر پیشرفت حق و حقیقت آسیب‌پذیر می‌گردد.

اسلام دین معاش و معاد، دنیا و آخرت، و مادی و معنوی است و به دنیا و نعمت‌های آن با دو چشم می‌نگرد. انسان‌هایی که در زندگی یک بعدی هستند، از نظر اسلام انسان‌های ایده‌آل نخواهند بود. اگر کسی از دنیا بگریزد به بهانه آخرت و یا آخرت را از دست بدهد به خاطر دنیا، هر دو مورد نکوهش و سرزنش هستند. آنچه اسلام می‌پسندد، داشتن دنیا و آخرت در کنار هم و با هم است: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...» (بقره/ ۲۰۱)؛ پروردگارا دنیای خوب و آخرت خوب به ما عطا فرما؛ این دعایی است که همواره مؤمنان خداپاوار در قنوت نمازهای واجب و مستحب می‌خوانند و از پروردگار جهان خیر دنیا و آخرت را طلب می‌کنند. انسان‌های تنبل و بی‌حوصله و سست اراده، نه از دنیا بهره‌ای می‌برند و نه از آخرت طرفی خواهند بست. از این‌رو امام صادق علیه السلام در روایت بالا هشدار می‌دهند که اگر می‌خواهید به خیر دو جهان دست یابید، تن‌پروری و تنبلی و سستی را از خود دور کنید.



۲. توصیه به تقوی و پرهیزگاری

در روایات اهل بیت علیهم السلام تقوی به معانی مختلفی استعمال شده است؛ از جمله به معنای «پرهیز از گناه»، «مالک شدن انسان بر شهوات»، «سوار بودن بر اعمال و رفتار خود»، «انجام کاری که موجب خجالت کشیدن نباشد»، «یادگیری مسائل و عمل به آن»، «بودن در جایی که خدا امر کرده و نبودن از جایی که خدا نهی کرده» و ... می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ رَزَقَ ثَقًی فَقَدْ رُزِقَ خَیْرَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ؛ هر کس تقوا روزی‌اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۶۹). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَلَکَ شَهْوَتَهُ کَانَ تَقِیًّا؛ کسی که مالک شهوت خود باشد، متقی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۰۷)؛ یعنی متقی کسی است که بتواند قوه شهوانی خود را تحت اختیار خود گیرد و هیچ موقع مغلوب آن نشود، همان‌طور که انسان مالک و غالب بر اموال خود است نه مغلوب آن. امام حسن عسکری علیه السلام نیز چنین توصیه می‌کنند: «أَوْصِیْکُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِی دِیْنِکُمْ، وَ الْإِجْتِهَادِ فِی اللَّهِ، وَ صِدْقِ الْحَدِیْثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ أَيْتَمَّنَکُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ؛ شما را سفارش می‌کنم به تقوای الهی، پرهیزگاری در دین‌تان، تلاش در راه خدا، راستگویی و امانت‌داری نسبت به کسی که شما را امین شمرده است؛ چه نیکوکار باشد چه بدکار، و به سجود طولانی و معاشرت خوب با همسایه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۶۸۱).

رعایت تقوای الهی سبب دور کردن نادانی از انسان می‌شود. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یَقِی بِالْتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَ یُجَلِّی بِالْتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَ جَهْلَهُ؛ خداوند عزوجل به وسیله تقوا، انسان را از آن چه عقلش به آن نمی‌رسد، حفظ می‌کند و کوردلی و نادانی را از او دور می‌نماید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵ / ۱۴۰).

نکات اخلاقی و تربیتی روایات

با توجه به روایات فوق، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. علاوه بر آثار دنیوی، اخروی و تربیتی تقوا، می‌توان آن را عامل شکوفایی عقل و بصیرت در امور دانست.
۲. نقش تقوا در شناخت و معرفت و در نتیجه تشخیص راه صواب از ناصواب امری بی‌بدیل و غیر قابل انکار است.
۳. تقوا عامل پرورش اراده و تبلور علم و حکمت است.

۴. کامیابی در برابر مشکلات و انواع شداید زندگی در سایه تقوا بسیار آسان تر است.
 ۵. جلب محبت و ولایت خداوند از آثار دیگر تقوا است.
 ۶. رابطه تقوا و بهداشت جسمی و افزایش قدرت روحی انسان ها و تسلط یافتن آنان بر نفس خویش از آثار دیگر آن است.
 ۷. تأثیر تقوی در تقرب به خداوند و عزتمندی، آزادی و آمرزش گناهان امری مبرهن است.
- پس با توجه به آثار تربیتی و اخروی تقوا، می توان آن را بهترین توشه آخرت و وسیله ورود به بهشت دانست و در نتیجه تنها راه ثمردادن تربیت آدمی را مقوله تقوا برشمرد و همین مسأله در کلام و سیره معصومین علیهم السلام کاملاً آشکارا به چشم می خورد، که آن بزرگواران از همین راه برای تربیت نفوس آماده، استفاده می کردند.

۳. توصیه به امانت داری

امانت داری یکی از ویژگی های بسیار مهم است، طوری که سبب امیدواری به انسان می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد می فرماید: «إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَحَدِكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ وَالصَّدْقُ؛ هرگاه در برادر (دینی) خود سه صفت دیدی به او امیدوار باش: حیا، امانت داری و راستگویی» (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۹۳). امام علی علیه السلام راهبردهای انسان امین را چنین بیان می کند: «لَا تُخْنِ مَنْ اِثْمَنَكَ وَ اِنْ خَانَكَ وَلَا تُدْعِ سِرَّهُ وَ اِنْ اَدَاعَ سِرَّكَ؛ به کسی که تو را امین قرار داده است خیانت مکن هر چند او به تو خیانت کرده باشد و راز او را فاش مساز اگر چه او راز تو را فاش ساخته باشد» (نوری، ۱۴۰۸: ۹/ ۱۳۶). اهمیت امانت داری به قدری زیاد است که امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِادَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اِثْمَنَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِثْمَنَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ؛ تقوای الهی پیشه کنید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است، بازگردانید، زیرا حتی اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی را به من بسپرد هر آینه آن را به او برمی گردانم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۱۳۳)؛

به فرموده ایشان، ادای امانت حتی نسبت به دشمنان نیز ضروری است، چه رسد نسبت به دوستان، خانواده و امام کاظم علیه السلام از برکات امانت داری می فرماید که سبب افزایش روزی می گردد: «اداءُ الْأَمَانَةِ وَالصَّدْقُ يَجْلِبَانِ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَ النِّفَاقُ؛ ادای امانت و راستگویی روزی را زیاد می کند و خیانت و دروغگویی باعث فقر و نفاق می شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۰۳).



نکات اخلاقی و تربیتی روایات

امانت‌داری آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارد. از جمله آثار فردی آن عبارت است از: تکامل ایمان، جلب روزی و ثروت بیشتر برای فرد امانت‌دار، دوام و استحکام هر چه بیشتر دوستی‌ها و روابط، جاودانگی نعمت‌ها و رستگاری انسان‌ها در سایه امانت‌داری و از جمله آثار اجتماعی آن عبارت است از: افزایش سطح اعتماد عمومی، گسترش علم و معنویت، مصون ماندن بیت‌المال، ایجاد امنیت در جامعه، گسترش محبت الهی در جامعه و

نتیجه‌گیری

با توجه به روایات ذکر شده، آن‌چه که واضح و مبرهن است، این است که دین اسلام از ابتدای ظهور با هدف تربیت و هدایت بشر به بهترین مسیر نازل شد و این هدف ممکن نخواهد بود، مگر در سایه تربیت معنوی و دینی. دست یافتن به این مهم فقط با پیروی کردن از بایدها و نبایدهایی است که به‌عنوان فقه در دین مطرح شده است؛ پس از این‌جا است که به رابطه مستقیم فقه تربیتی با تربیت بشر پی برده می‌شود و خداوند متعال نیز در همین راستا برای رسیدن بشر به هدف نهایی خلقت انبیا و اولیا الهی را فرستاده تا ایشان با تبیین و توضیح آن‌چه که برای بشر واضح و روشن نبوده، تحت عنوان روایات و احادیث راهگشایی نمایند و انسان را برای به دست آوردن سعادت دنیوی و اخروی یاری نمایند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

کتب

- ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، ج ۱، مصحح: عراقی، مجتبی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، ج ۱، مصحح: فیضی، آصف، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
- ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر (بی تا)، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی.
- ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۸۷)، ترتیب مقایس اللغة، ترتیب و تنقیح: سعیدرضا علی عسکری و حیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: رجائی، سید مهدی، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، مبادی اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، هدیة الأئمّة إلى أحكام الأئمّة علیهم السلام، ج ۴، مصحح: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی. گروه حدیث، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۵ (تبوش - چاقچور)، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.



راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، فقه و مصلحت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فقیهی، علی نقی (۱۳۸۷)، تربیت جنسی مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

قزائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، ج ۱ و ۱۰، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴ و ۵، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ج ۶۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محقق کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی (۱۴۱۱)، جامع المقاصد، ج ۱، بیروت: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

محمدی ری شهری، محمد (بی تا)، منتخب میزان الحکمه، بی جا: بی نا.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تفسیر نمونه، ج ۱، بی جا: بی نا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، دایره المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

موسوی، سید نقی (۱۳۹۵)، فقه تربیتی ۱، تهران: موسسه اشراق و عرفان.

موسوی، سید نقی (۱۳۹۶)، فقه تربیتی ۲، تهران: موسسه اشراق و عرفان.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

مقالات

اخلاقی، اسماعیل، تربیت دینی در عصر مدرن، پگاه حوزه، ۱۳۸۸، شماره ۲۵۸

جمعی از نویسندگان، روشهای آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اعظم (ص)، مجله معارف، اسفند ۱۳۸۵، شماره ۴۴، بارگزاری شده در سایت <https://noo.rs/DeCcZ>

جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، حج: ریشه‌ها، شاخه‌ها، میوه‌ها.

جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، رساله‌ای در شناخت حج.